

خروج از بحران

احمد شیرانی
shiraniahmad@yahoo.com

زمانی که وضعیت در یک سلول اجتماعی، از حالت نرم و معمول خود، خارج شود و یا تغییراتی به شدت تمام رخ دهد، گفته می‌شود: **شرایط بحرانی به وجود آمده است**، و ادامه آن ممکن است تا آنجا پیش برود که همه چیز را نابود کرده، از سر راه خود بر دارد؛ و یا شرایط به وجود آمدن رفرم و یا اصلاحاتی را فراهم سازد. اما چرا این وضعیت به وجود می‌آید؟ آیا به طور کلی وقوع این شرایط، برای جامعه و بشریت مفید است یا نه؟

در این گفتار به مباحثی پرداخته می‌شود که دریابیم در رویارویی با شرایط بحرانی چه باید کرد؟ و چگونه باید آن را کنترل کرد، تا شیرازه کارها از هم گسسته نشود و برای آموختن چگونگی برخورد با بحران، فزازه‌های دوازده گانه زیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فراز اول: پذیرش اشتباهها

یک طرف بروز بحران، حرکت‌های نادرست و تصمیمها و انجام عملیات اشتباه است. معمولاً یک طرف عامل بروز بحران، تصمیم‌های نادرست مدیران، و یا رهبران است. بنابراین آنها باید بپذیرند که در اثر عملکردشان، آن شرایط برای واحدشان رخ داده است.

فراز دوم: رد طرح ثنوری توطئه

انسانهای کوچک و حقیر، نه تنها همیشه خود را به دور از هر اشتباهی می‌دانند، بلکه گناه بروز بحران را به گردن دیگران می‌اندازند و همواره دشمنانی را برای خود، به وجود می‌آورند. بنابراین آنان همواره در این اندیشه‌اند، که دیگران، تمام تلاش خود را در به شکست کشاندن آنها به کار برده اند آیا به راستی این باور، موجب سلب مسئولیت از ایشان می‌شود؟

درست است که در بروز بحران، شرایط بیرونی نیز تاثیر گذارند، ولی شرایط درونی تعیین کننده اند و مدیران خردگرا می‌توانند، با دوری گزیدن از تئوری نادرست توطئه، راه برون‌رفت از بحران را سریعتر طی کنند.

فراز سوم: شناسایی عوامل درونی و بیرونی

در بروز بحران، دو عامل اساسی درونی و بیرونی وجود دارد، بنابراین برای برون رفت از این حالت، باید عوامل درونی و بیرونی را شناخت و به گونه ای جداگانه با آنها برخورد متناسب انجام داد. در غیر این صورت موفقیتی حاصل نمی‌شود، در تولید یک کالا و عرضه آن به بازار، شرایط درونی، جذب در بازار و

۱۰. از افکار واهی و بوج بهره‌یزید.

افکار بوج می‌تواند برنامه‌های خوب پایه‌گذاری شده را از بین ببرد. می‌توان با یادگیری اینکه چگونه از پروژه های خود انتظار واقع بینانه‌ای داشته باشیم از این موضوع بهره‌یز کنیم. ضمناً مطمئن شوید که در برنامه‌هایتان مسائل و خطاهای غیرقابل انتظار را در نظر گرفته‌اید.

۱۱. از نامه‌های الکترونیکی مکانیزه استفاده نکنید.

برخی از نرم‌افزارهای نامه الکترونیکی، شمارشگر زمان دارند، به گونه‌ای که نامه‌های شما را در زمان‌های معینی چک می‌کنند و اعلام رسیدن نامه‌های جدید را اعلام می‌کنند؛ از این برنامه‌ها استفاده نکنید. بررسی نامه‌های الکترونیکی به محض اینکه برای شما ارسال می‌شوند موجب حواس پرتی شما می‌شود و زمان را تلف می‌کند. بسته به نیازتان ۳ تا ۵ بار در روز، در زمان‌های تعریف شده‌ای، نامه‌ها را چک کنید.

۱۲. زمان خود را متوازن کنید.

وقتی شما دسته‌های متفاوتی از فعالیت دارید، با تخصیص هر دسته فعالیت به هر هفته، توازن بهتری برای زمان خود برقرار می‌کنید. برای مثال: یک هفته روی مسائل مالی و مسائل داخل خانه و هفته بعد به آرامش و تفریح خود زمان اختصاص دهید.

۱۳. بایگانی با دسترسی آسان را تجربه کنید.

تلاش برای یافتن پرونده‌هایی که اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرند، در بایگانی پیچیده می‌تواند خسته کننده و زمانگیر باشد. به جای بایگانی پراکنده، بایگانی سازمان یافته و با دسترسی سریع داشته باشید. فایل کشودار در میز کار، محل مناسبی برای مواردی است که اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱۴. تندخوانی را یاد بگیرید.

تندخوانی مهارت با ارزشی است، به ویژه اگر زمان زیادی از روز را برای خواندن مستندات صرف کنید. برای یادگیری تندخوانی می‌توانید کلاس بروید، برنامه آن را تماشا کنید و یا کتاب‌های مرتبط را بخوانید.

۱۵. از کارهایتان کپی پشتیبان تهیه کنید.

چند وقت یکبار از کارها کپی پشتیبان تهیه می‌کنید؟ شما نمی‌دانید که چه موقع مشکل کامپیوتری خواهید داشت، بنابراین تهیه کپی پشتیبان به صورت دوره‌ای، از استرس‌های بعدی جلوگیری خواهد کرد.

۱۶. برای مدیریت زمان، مانند کودکان، گام به گام عمل کنید.

یادگیری مدیریت زمان هنر است. برای تغییر پایدار، در هر زمان تغییر کوچکی بدهید. به یاد داشته باشید که برای شکل‌گیری عادت جدید دست کم به چند هفته وقت نیاز دارید.

۱۷. فعال باشید.

بدن فعال، شما را به سوی ذهن شاداب و هشیار هدایت می‌کند. داشتن یک ورزش ثابت و مداوم کمک می‌کند تا بدن شما شکل مناسب خود را حفظ کند و توانایی ذهنی شما نیز افزایش یابد. اگر شما برای اینکار وقت زیادی ندارید، روزانه ۱۰ دقیقه ورزش کنید. □

تمامی سیاستهای دولتی در این رابطه، شرایط بیرونی هستند، و در وضعیت بحرانی این دو پدیده باید از یکدیگر جدا شده و جدا جدا مورد بررسی قرار گیرند. چون شرایط درونی در اختیار خود واحد، و شرایط بیرونی خارج از اختیار و تصمیم گیری‌های واحد است.

فراز چهارم: تاثیر روحیه امید در محیط

خروج بهینه از شرایط بحران، فقط و فقط از راه نیروهای خودی امکان پذیر است. زیرا آنها هستند که ذینفع این قضیه می باشند، بنابراین باید دارای روحیه قوی و امیدوار نسبت به تغییر باشند، و به طور کلی این روحیه قوی و مصمم باعث بهره وری در کارها می شود و دادن روحیه مثبت به افرادی که مستقیم درگیر کار هستند، باعث روپین تن شدن آنان می شود؛ افراد لابلالی و غیر مسئول هرگز قادر به برون رفت از شرایط بحرانی نیستند.

فراز پنجم: حفظ خونسردی

برای تصمیم گیری درست و به موقع در رویارویی با وضعیت بحرانی، یکی از شرایط، داشتن خونسردی کامل است، چه بسا در صورت وجود تمامی شرایط و اطلاعات، به دلیل وجود استرس و عدم آرامش، مسائل کاری درست آنالیز نشده، و بحران شدیدتر شود.

فراز ششم: جمع آوری اطلاعات

داشتن اطلاعات برای انجام ساده ترین کارها، تا پیچیده ترین رفتارها، از ارکان اساسی اجرایی کار است و به راستی بدون داشتن اعداد و ارقام و اطلاعات کافی، مانند: حرکت با چشمان بسته، بر فراز پلی از آتش است. البته مجموع اطلاعات، دانش بشری را رقم می زند و بدون دانش بشری که طی هزاران سال ذخیره شده است، آدمها، مانند انسانهای اولیه تصمیم گیری می کنند، بنابراین برای پیروزی در جنگ اقتصادی، در بازار پر از حریفان قدر، باید اطلاعات کافی از همه ارکان وجود داشته باشد. جمع آوری اطلاعات باید از سلول کوچک اجتماعی شروع شود و سپس کل واحد را در بر گیرد و این مجموعه اطلاعات وقتی پراثر است که زیربنای آن بر مبنای واقعیت ها استوار باشد.

فراز هفتم: گذرا بودن شرایط بحران

باور به گذرا بودن همه وضعیت ها، از جمله شرایط بحران، انسان را وادار می سازد که به آینده امیدوار شود و همه چیز را فانی نپندارد. بنابراین به تکاپو می افتد و حرکت می کند و راهکار را می یابد. در صورتی که تفکر منفی در مورد شرایط بحرانی، آدمی را به سکون دعوت می کند و نوعی از انتحار در انتظار، به وجود می آورد و همین مسئله باعث می شود که تصمیم گیری در مورد کار انجام نپذیرد.

فراز هشتم: شناخت نقاط ضعف

در حرکت، کندی، توقف، انحراف، از مسیر خارج شدن و واژگونی وجود دارد، اما شناخت عوامل بروز این پارامترها می تواند افراد ذینفع را به آگاهی و برون رفت نزدیکتر سازد. شناخت دقیق علت توقف یک خودرو در وسط بیابان (قطع بنزین، قطع برق...) راننده را سریعتر به رفع بحران می رساند. رسیدن به علت اعتصاب در یک واحد تولیدی (کمی حقوق، بی احترامی، اخراج یک سرپرست، مسائل سیاسی...) مدیران را به

سرعت به نقطه مرکزیت بحران می رساند.

فراز نهم: برخورد با عناصر خاطی، افراطی و تفرقه افکن

معمولا در بروز بحران، سکاندوران مقصران اصلیند، اما زیر مجموعه‌ها نیز بی تاثیر نیستند. چون آنها هستند که بهر جهت کارهای اجرایی را باید انجام دهند و هرگونه سستی، کاهلی، بی دقتی و کم فکری، کار را به سر منزل موفقیت نمی رساند.

بنابراین ضروری است همان گونه که در طبیعت، برای ادامه رشد و جلوگیری از انحراف، مرتب باید عوامل غیر همگون از بدنه جدا شوند.

فراز دهم: جستجوی راههای جدید

گفته مشهوری است که می گوید: برای رسیدن به هدف باید رفت، اما همه رفتنها به هدف منتهی نمی شود بنابراین در پیش پای بشریت هزاران راه رفته و نرفته، خود را نشان می دهند و طبیعی است که عبور از هر بحرانی، راههای نرفته و جدیدی را می طلبد. به عبارتی همیشه نمی توان بر مبنای آزمونهای پیشین حرکت کرد، زیرا بعضی از آن راهها به بن بست و بحران جدیدی می رسد و رفتن دوباره راه نادرست، خطای فاحشی بیش نیست. حتی راههایی که به نتیجه نیز رسیده است باید تغییر کنند و روشهای جدیدتری جایگزین قبلی ها شوند.

فراز یازدهم: تمرکز همه نیروها به سوی هدف

برای رهایی از بن بست بحران، یک واحد به همه نیروهای خود در یک راستا احتیاج فراوان دارد. چون هرگونه افتراق و جدایی، باعث پراکندگی قدرت و خشتی شدن نیرو خواهد شد. در شرکتها و موسسه‌های تولیدی یا خدماتی در حالت بحران، این امر باید عملی شود. در کشورهای پیشرفته بارها دیده شده است که، مدیران کمپانیهای در حال ورشکستگی، نخستین کسانی بوده‌اند، که تمامی امتیازات خود را قطع کرده، در کنار سایر کارکنان، ماهها از دریافت حقوق و مزایا خودداری کرده‌اند، تا شرکت به شرایط عادی خود برگشته است. این تمرکز و یگانگی باعث انسجام واحد شده، در رفع بحران، بسیار موثر بوده است.

فراز دوازدهم: در انتظار بحرانی تازه

از دل هر بحرانی، دوره شکوفایی رونق جوانه می زند، اما در روند توسعه و پیشرفت، بنا بر هزاران دلیل، بحرانی دیگر، دوباره زاییده می شود. بنابراین با رفع هر بحران، نباید به این اندیشه دل خوش کرد. که دیگر همه چیز تمام شده، همچنان به سمت رفاه، ترقی و پیشرفت، گام بر داشته می شود، بلکه دوباره با شرایطی ویژه، بحرانی دیگر از راه فرا می رسد، بنابراین همواره تمامی واحدها، باید در اندیشه مبارزه برای رفع بحرانی تازه باشند، و همان گونه که اندیشمندی گفته است: همواره خوشبختی بین دو بدبختی فد علم می کند. می توان به صراحت گفت: بحرانها همیشه بین دو رونق یا دو آرامش قرار دارند، و بعد از گذار از یک آرامش، باید در انتظار بحرانی دیگر صرف آرای شود؛ و این رمز زندگانی است. البته همه بحرانها نیز یکسان و شبیه به هم نیستند. رهبران و پیشتازان صنعت، خدمت و تولید واقعی، هرگز از یادآوری روزگار رفاه و اوج مغرور نمی شوند، همچنان که در دوره بحران نیز تمرکز خود را از دست نمی دهند و مدبرانه برای رفع آن، برنامه ریزی می کنند. □